

اشعیا ایش 50

- 4 خداوند یهوه زبان تلامیذ را به من داده است تا بدانم که چگونه خستگان را به کلام تقویت دهم. هر
بامداد بیدار می‌کند. گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل تلامیذ بشنوم
خداوند یهوه گوش مرا گشود و مخالفت نکردم و به عقب‌برنگشتم 5
6 پشت خود را به زندگان و رخسار خود را به مُوگنان دادم و روی خود را از رسوایی و آب دهان
پنهان نکردم
7 چونکه خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند، پس رسوا نخواهم شد، از این جهت روی خود را مثل سنگ
خارا ساختم و می‌دانم که خجل نخواهم گردید

اعمال رسولان ایش 6+7

8. اما استیفان پر از فیض و قوّت شده، آیات و معجزات عظیمه در میان مردم از او ظاهر می‌شد
9 و تنی چند از کنیسه‌های که مشهور است به کنیسه لیبرتینیان و قیروانیان و اسکندریان و از اهل قلیقیا
و آسیا برخاسته، با استیفان مباحثه می‌کردند،
و با آن حکمت و روحی که او سخن می‌گفت، یارای مکالمه نداشتند 10
11 پس چند نفر را بر این داشتند که بگویند، این شخص را شنیدیم که به موسی و خدا سخن کفرآمیز
می‌گفت
12 پس قوم و مشایخ و کاتبان را شورانیده، بر سر وی تاختند و او را گرفتار کرده، به مجلس حاضر
ساختند
13 و شهود کذبه برپا داشته، گفتند که این شخص از گفتن سخن کفرآمیز بر این مکان مقدّس و تورات
دست بر نمی‌دارد
14 زیرا او را شنیدیم که می‌گفت این عیسی ناصری این مکان را تباه سازد و رسومی را که موسی به
ما سپرد، تغییر خواهد داد

- چون این را شنیدند دلریش شده، بر وی دندانهای خود را فشردند 54
اما او از روح‌القدس پر بوده، به سوی آسمان نگریست و جلال خدا را دید و عیسی را بدست راست
خدا ایستاده و گفت،

- اینک، آسمان را گشاده، و پسر انسان را به دست راست خدا ایستاده می‌بینم 56
آنگاه به آواز بلند فریاد برکشیدند و گوشهای خود را گرفته، به یکدل بر او حمله کردند، 57
و از شهر بیرون کشیده، سنگسارش کردند. و شاهدان، جامه‌های خود را نزد پایهای جوانی که
سولُس نام داشت گذاردند
و چون استیفان را سنگسار می‌کردند، او دعا نموده، گفت، ای عیسی خداوند، روح مرا بپذیر 59
پس زانو زده، به آواز بلند ندا در داد که خداوندا این گناه را بر اینها مگیر. این را گفت و خوابید 60

متی ایش 10

- 32 پس هر که مرا پیش مردم اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار
خواهم کرد.
33 اما هر که مرا پیش مردم انکار نماید، من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار
خواهم نمود.

- 34 گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم. نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم، بلکه شمشیر را.
- 35 زیرا که آمده‌ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم.
- 36 و دشمنان شخص، اهل خانه او خواهند بود.
- 37 و هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد.
- 38 و هر که صلیب خود را برنداشته، از عقب من نیاید، لایق من نباشد.
- 39 هر که جان خود را دریابد، آن را هلاک سازد و هر که جان خود را بخاطر من هلاک کرد، آن را خواهد دریافت.
- 40 هر که شما را قبول کند، مرا قبول کرده و کسی که مرا قبول کرده، فرستنده مرا قبول کرده باشد.
- 41 و آنکه نبیای را به اسم نبی پذیرد، اجرت نبی یابد و هر که عادل را به اسم عادل پذیرفت، مزد عادل را خواهد یافت.
- 42 و هر که یکی از این صغار را کاسهای از آب سرد محض نام شاگرد نوشاند، هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را ضایع نخواهد ساخت.